

استقبال مردم چین از کتاب خاطرات رهبر شهید انقلاب

انتشار ترجمه چینی کتاب «خون دلی که لعل شد» در سکوهای انتشار چین با استقبال گسترده مخاطبان مواجه شده است. جمهوری خلق چین به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور جهان همسویان تعاملات راهبردی و تاریخی خود با ایران در حوزه‌های علمی، فرهنگی و هنری برنامه‌های مناسبی و بلندمدتی را

ایران؛ برنده میدان روایت رسانه‌های مهدی مطهر، مستندساز؛ نقش هوش مصنوعی در شکل‌گیری روایت‌های تازه برجسته است



مهدی مطهر، مستندساز شناخته‌شده حوزه بحران و جنگ، با اتکا به بیش از یک دهه تجربه در ثبت رویدادهای میدانی، معتقد است که شرایط امروز منطقه و ایران، فصل تازه‌ای از مواجهه‌های چندلایه رسانه‌ای و میدانی را رقم زده است؛ وضعیتی که به گفته



نسرین بختیاری گروه فرهنگ و هنر

او، برای مستندسازی که سال‌ها درگیر مستندهای بحران بوده‌اند، غافلگیرکننده نیست. مطهر که سابقه ساخت آثاری درباره ابومهدی المهندس و سردار قاسم سلیمانی را در کارنامه دارد، می‌گوید مسیر حرفه‌ای او و بسیاری از همکارانش از سال‌ها قبل در آماده‌باش دائمی نسبت به تحولات منطقه شکل گرفته و همین پیش‌زمینه موجب شده مستندسازی در چنین دوره‌هایی تنها به ثبت سریع وقایع خاصه نشود، بلکه نیازمند زمان، تحلیل و روایت‌پردازی بلندمدت باشد. او ضمن اشاره به نقش آرشویی که طی سال‌ها گردآوری کرده، از نوع مشارکت‌های پشت‌صحنه خود در روزهای ناآرامی از کمک به گروه‌های مستندسازی تا فراهم‌کردن دسترسی به مواد تصویری می‌گوید. مطهر همچنین بر اهمیت «مرجعیت رسانه‌ای داخلی» تاکید می‌کند و معتقد است نبود جریان روایت‌ساز قدرتمند در داخل، موجب شده بخشی از افکار عمومی به سمت منابع بیرونی گرایش پیدا کند؛ مساله‌ای که در بزنگاه‌های اخیر برجسته‌تر شده است. او در عین حال بر نقش فناوری‌های نو، به‌ویژه هوش مصنوعی و تولیدات خلاقانه مبتنی بر آن، در شکل‌گیری روایت‌های تازه اشاره می‌کند و این روند را ظرفیتی می‌داند که می‌تواند مسیر روایت‌سازی را دگرگون کند. از نگاه مطهر، مستندساز امروز نه تنها رویانگر بحران است بلکه باید راهی برای بازنمایی دقیق و غیرشتاب‌زده رویدادهای پیچیده پیدا کند؛ روایتی که هم از دام گزارش‌های لحظه‌ای دور باشد و هم بتواند در بلندمدت مخاطب را به درک عمیق‌تر از واقعیت نزدیک کند. از این رو، مشروح گفت‌وگو با مهدی مطهر را به‌بهبانه تحولات اخیر و جنگ در ایران و منطقه از نظر می‌گذرانید:

با توجه به تجربه‌ای که در زمینه ساخت و تهیه مستندهای بحران، جنگ و فیلم‌سازی دارید، تحلیل‌تان از شرایطی که در حال حاضر در آن قرار داریم، چیست؟ سال ۵۷ جنس مبارزه ما از نوع مبارزه با استبداد بود و از آن به بعد رویه مبارزه با استکبار جهانی خیلی پررنگ بود و در حال حاضر در اوج این رویارویی قرار داریم. همیشه این حساسیت وجود داشته که آمریکا و ایران به عنوان دو قطب تکنولوژی‌گرا و ایده‌گرا باید یک روز با هم روبرو شوند. قصه‌های بعد از ۷ اکتبر و حماقت‌های اسرائیل در زمینه ترور مرحوم اسماعیل هنیه که منجر به حمله ایران به اسرائیل و جنگ خرداد، ۱۸ و ۱۹ دی و الان شد، کامل‌کننده تمام اتفاقاتی بود که در این ۴۷ سال رقم خورده و به نبرد نهایی رسیده بود. خلاف بعضی که اصرار دارند از واژه جنگ دوم یا سوم استفاده می‌کنند؛ من جنگ خرداد، دی و جنگ رمضان را یک جنگ می‌دانم؛ چون در روزهای جنگ هشت‌ساله این‌طور نبود که هرماه تبادل آتش بین ایران و عراق اتفاق افتاده باشد اما ما هیچ‌گاه از واژه جنگ دوم و سوم عراق استفاده نمی‌کنیم. با توجه به سه اتفاق روی داده، تمام این اتفاقات در پی هم بوده است؛ یعنی جزو یک پروژه بود که کشته‌سازی اتفاق بیفتد و مردم روبروی حاکمیت قرار گیرند و با حمله اسفندماه و شهادت رهبری و جمعی از فرماندهان، ماجرا ختم شود اما آنها هیچ‌وقت فکر نمی‌کردند که این جنگ حدود ۴۰ روز طول بکشد و در مقابل ایران آماده تمام این ماجراها بود. بسیاری از مستندسازان مثل

در این فاصله بعد از جنگ به دلیل نخواست اسرائیل و آمریکا، ما برد روایت داشتیم؛ یعنی ایران به لحاظ روایی توانست خود را پیروز نشان دهد

من که برای شهادت حاج قاسم کار انجام دادم، از سال‌ها پیش درگیر این ماجراها و آماده‌باش‌ها بودیم. همیشه دشمن فرضی ما آمریکا بود و تمام سرداران از سال‌ها پیش خود را آماده چنین نبردی کرده بودند. من از سال ۹۰ به این طرف درگیر بسیاری از این اتفاقات با ساخت مستندهایی درباره ابومهدی المهندس و حاج قاسم بودم. در حال حاضر هر مستندسازی یک نوع مواجهه با اتفاقات دارد و بعضی به سرعت گزارش آماده می‌کنند و وارد گرد می‌شوند اما این خطر هم وجود دارد که بعد از گذشت یک تا دو ماه کسی به این دست مستندهای گزارشی مراجعه نمی‌کند. به‌رغم این‌که معتقدم این نوع مستندسازی مهارت خاصی در دریافت مجوزها می‌طلبد و کار آسانی هم نیست اما خودم چندان این‌گونه نیستم؛ یعنی تولید فیلم‌هایم از زمان شروع بحران آغاز می‌شود اما برای تدوین و کامل کردن آن به زمانی بیشتر از ۶ ماه نیاز دارم. به‌عنوان مثال، تولید فیلم حاج قاسم در اولین

یادودین سالگرد او آماده شد. در این شرایط با توجه به فعالیت و تاثیرات در این حوزه، چه قدم‌هایی برداشتید؟ من معمولاً در روزهای نزدیک به جنگ کار مستقیمی انجام نمی‌دهم اما تا توانستم کمک کردم؛ به‌عنوان مثال، بعضی از بچه‌ها یک تنخواه یا مجوز تصویربرداری نیاز داشتند و کمک کردم. علاوه بر این، به دلیل این‌که آرشوو خوبی از کارهای معاصر و رهبر شهید انقلاب



با سی‌امین نمایشگاه بین‌المللی کتاب پکن رونمایی و به بازار نشر چین عرضه شد. افزون بر نسخه چاپی این اثر ۳۵۹ صفحه‌ای به‌تازگی نسخه دیجیتالی آن نیز روی سکوهای انتشار برخط کشور چین در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت که با استقبال گسترده مخاطبان همراه شده‌است.



دارم، به بچه‌ها در این زمینه کمک کردم. گاهی نیز بچه‌ها را به یکدیگر وصل کردم.

یکی از ابزارهای مهمی که دشمن با کمک آن افکار عمومی دنیا را برای تجاوز به ایران آماده کرد، رسانه‌های جمعی خارجی هستند. در این شرایط رسانه‌های ما چطور می‌توانند حرکت کنند تا راست و دروغ را مشخص کنند؟

تمایل دارم صحبتیم را با مثال شروع کنم. من مجموعه مستندی با نام هویدا داشتم که نقد انقلابیون را به‌طور عینی در آن مطرح و به جز آن، بسیاری از شبهات را در آن مرتفع کردم. ابتدا قرار بود پخش شود اما بعد از یک یا دو نقد فیلم ماتوقیف شد و بهانه این بود که چرا به‌طور کامل منفی نیست اما مخاطبان امروز همه دسترسی خوبی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی دارند و اگر ما نگوئیم، مخاطبان واقعیت را به شکل تحریف‌شده یا غلو شده در این شبکه‌ها می‌بینند. وجه دیگر ماجرا را با کمک‌گرفتن از محمدحسین مهدویان بیان می‌کنم که گفت اشتباه کردیم در دهه ۸۰ ارتباط خود را با تلویزیون قطع کردیم؛ چون من معتقدم حضور کارگردانان خوب موجب می‌شود که مخاطبان کمتری به سمت شبکه‌های بیگانه بروند. در این سال‌ها متأسفانه آن‌طور که شایسته است مرجعیت رسانه‌ای در داخل شکل نگرفت و بسیاری از مخاطبان رسانه‌های آن طرف آب را مرجع خود قرار دادند. این جریان خزنده ادامه پیدا کرد، با اتفاقات دی ماه که ادامه جنگ ۱۲ روزه است گره خورد و متأسفانه عده زیادی شهید شدند و تبیین این قصه از دست ما به‌عنوان مستندساز خارج شد. البته معتقدم حضور مداحان در میادین راهپیمایی شبانه مردم موجب شد بسیاری از کمبودهای تبیینی حاکمیت را منتقل کنند.

در این جنگ بهره‌گرفتن از هوش مصنوعی برای استفاده در جهت منافع خودمان مانند انیمیشن‌های خود جوش لگویی که جهان توجه ویژه‌ای به آن نشان داده، برجسته است؛ برای بهره‌گیری بیشتر از این ظرفیت‌ها چه پیشنهاداتی دارید؟

سال ۵۷ می‌گفتند از حداکثر ظرفیت رسانه برای زدن رژیم قبلی استفاده کنید و در آن زمان هم می‌دیدیم از مقاله، ویدئو، شعارنویسی و کاغذهای کپی شده استفاده می‌کنند. معتقدم از زمانی که رسانه‌ها را خود به دست گرفته و مسئولیت پذیرفتند، نتوانستند عملکرد درست اولیه را داشته باشند. به همین دلیل ما در حوضی رسانه قرار گرفتیم اما در این فاصله دو ماه بعد از جنگ به دلیل نخواست اسرائیل و آمریکا، ما برد روایت داشتیم؛ یعنی ایران به لحاظ روایی توانست خود را پیروز نشان دهد. البته این به معنای فهم رسانه‌ای بالاتر ما نیست بلکه مخالفت جریان‌های مختلف در اروپا و آمریکا نسبت به ترامپ شکل گرفت و کارساز بود. در این میان ایرانیان خارج‌نشین که دل‌شان برای کشورشان می‌تپد نیز پای کار بودند و سفرای ایران نیز حداکثر استفاده را از توثیق‌ها می‌بردند. روس‌ها؛ ژاپنی‌ها و هندی‌ها و عرب‌ها به شدت در زمینه هوش مصنوعی فعال بودند و حالا هم می‌بینیم که از گویا به‌عنوان بازی شناخته شده بین‌المللی در جهت اهداف سیاسی خودمان استفاده می‌شود و این یعنی بهره‌گیری صحیح و کاربردی از هوش مصنوعی. در حال حاضر اوضاع به گونه‌ای است که شهروندان دیگر کشورها پرچم حزب‌اللهی‌ها یا ایران را بالا می‌برند و می‌گویند: «بزن که خوب می‌زنی». این حرکت بسیار ارزشمند و نادر است و شاید ۱۰ تا ۱۵ سال پیش آقای پناهیان نیز گفت ما این جایگاه را داریم که محتوای مان دست‌به‌دست بگردد اما متأسفانه موسیقی ما به چنین جایگاهی نرسیده است. به‌طور کلی ما دو دعوی اساسی داریم؛ یکی مربوط به تکنولوژی‌گراها و دیگری دعوی کسانی که ایده جدیدی برای دنیا دارند و ما سردسته این جریانیم. معتقدم به‌اندازه‌ای ترامپ بد عمل کرد که در جنگ روایت، ایران دست برتر را پیدا کرد و برد.

یادداشت

امیرحسین حدیدی گروه فرهنگ و هنر

سینمای امام مهربانی‌ها

گستره سینمای ایران سرشار از تجربه‌هایی است که مضامین معنوی را در بستر زندگی روزمره جست‌وجو می‌کنند اما بی‌تردید آن‌جا که قصه‌ها به مشهد، زیارت و مواجهه انسان با امام رضا (ع) می‌رسند، کیفیتی متفاوت از احساس و درک معنوی شکل می‌گیرد. به‌مناسبت سالروز تولد امام هشتم، مروری کوتاه بر آثار شاخصی که به‌شکل مستقیم یا غیرمستقیم به زیارت، حضور معنوی و انگرداری امام رضا (ع) پرداخته‌اند، تصویری روشن از این جریان ارائه می‌دهد.

رسول صدرعاملی از مهم‌ترین فیلمسازانی است که با سه‌گانه‌اش نقش تعیین‌کننده‌ای در تثبیت این‌گونه سینمایی داشته‌است. «هرشب تنهایی» (۱۳۸۶) نخستین حلقه این سه‌گانه است؛ روایتی درونی و آرام درباره عطیه، زنی بیمار که در آستانه فروپاشی روحی قرار دارد و زیارت برای او تبدیل به نقطه‌ای برای بازاندیشی در معنای زندگی می‌شود. فیلم زیرپوستی و بدون شعار، کرامت و آرامش حرم را در قاب‌های ماندگارش جاری می‌کند. استفاده گسترده از فضاهای واقعی صحن‌ها و رواق‌های حرم، به فیلم کیفیتی مستندگونه و اثرگذار می‌دهد. صدرعاملی در «شب» (۱۳۸۶) مسیر متفاوتی را بی‌می‌گیرد؛ این بار قهرمان داستان نه فردی متعالی، بلکه یک مجرم است که شبی ناخوسته در مشهد می‌گذراند. عطش او برای زیارت، قلب اثر را شکل می‌دهد. نمایی که عزت‌الله انتظامی پس از یک عمر گریز از معنویت، با تماشای گنبد طلایی به‌گریه می‌افتد، یکی از ماندگارترین لحظات سینمای معنوی ایران است. بازی‌های انتظامی، خسرو شکیبایی و امین حیایی،

فیلم را به یک مواجهه نسل‌ها تبدیل کرده است. در «در انتظار معجزه» (۱۳۸۸)، صدرعاملی بار دیگر به قصه‌ای خانوادگی پناه می‌برد و تحولات کوچک اما ژرف انسانی را در پرتو توسل به امام رضا (ع) دنبال می‌کند. این بار معجزه در روزمرگی رخ می‌دهد؛ یعنی نه در نقطه اوج دراماتیک بلکه در لحظه‌های عادی زندگی یک زن و شوهر گرفتار. سینمای رضوی، البته محدود به صدرعاملی نیست. مهرداد فرید با «دعوتنامه» (۱۳۹۵) سراغ شخصیتی رفته که در پایین‌ترین طبقه اجتماعی زندگی می‌کند و از زائران دزدی می‌کند اما مواجهه تدریجی او با معنویت مشهد، تصویری تازه از امکان تغییر و رستگاری ارائه می‌دهد. حمید نعمت‌الله نیز در تله‌فیلم محبوب «بیا از گذشته حرف بزنیم» (۱۳۸۷) قصه سه زن سالمند را روایت می‌کند که سفر زیارتی‌شان تبدیل به تجربه‌ای انسانی و گرم می‌شود؛ اثری که با استقبال گسترده مخاطبان حتی به قسمت دوم رسید. «روز هشتم» مهدی کرم‌پور (۱۳۸۸) نیز نقطه دیگری در این مسیر است؛ فیلمی که سه شخصیت و سه بحران متفاوت را در سایه توسل به امام مهربانی‌ها به هم گره می‌زند. حضور بازیگرانی چون انوشیروان ارجمند و علیرضا خمسه، فیلم را به اثری قابل توجه تبدیل کرده است. در نهایت، بهروز شعبانی با «بدون قرار قبلی» یکی از پخته‌ترین آثار این ژانر ارائه می‌دهد؛ فیلمی درباره باگشت، ریشه‌ها و معنای زیارت. حضور یک کودک اوتیسمی و آرامش او در فضای مشهد، به فیلم کاراکتری متفاوت بخشیده و مواجهه تدریجی یاسمین با گذشته پدرش، روایتی انسانی و چندلایه از معنویت ارائه می‌کند.

سینمای امام رضا (ع) نه بر معجزه‌های ناگهانی، بلکه بر لمس آرامش، دگرگونی‌های کوچک و ارتباط صمیمی انسان با مکان مقدس بنا شده است. این فیلم‌ها یادآوری می‌کنند که زیارت همیشه با آمادگی قبلی رخ نمی‌دهد؛ گاهی «بدون قرار قبلی» فرا می‌رسد و زندگی را دگرگون می‌کند.

قاب

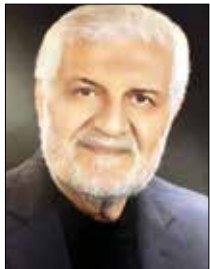


رسالت بزرگ عکاسان در جنگ

محمدعلی جدیدالسلام، عکاس و مجموعه‌دار پیشکسوت ایرانی که مجموعه‌ای از دوربین‌های مختلف عکاسی را در مجموعه هنری برج آزادی به نمایش گذاشته در گفت‌وگو با مهر درباره حمله اخیر به برج آزادی، گفت: درحالی که مردم جانشان را می‌دهند، وسایل من در مقابل آنها چیزی نیست. ناراحتی من از این است که این دو شخص پلید یعنی ترامپ و نتانیاهو ما را به این روز نشانده‌اند. قاجاع بزرگی رخ داده و جان‌های عزیز بسیاری از دست رفته است. به من گفتند دوربین‌هایت را جمع کن و آنها را به مخزن ببر تا در حلمات به آنها آسپینی نرسد اما من گفتم که چرا آنها را جمع کنم؟ بچه‌های مردم از جان‌شان می‌گذرند، دوربین‌های من چه ارزشی دارد؟ حتی جان خود من هم در برابر این مملکت ارزشی ندارد.

تجسمی

درگذشت هنرمند برجسته نگارگری اصفهان



استاد رضا صنیع‌زاده، نگارگر برجسته اصفهانی، شامگاه هفت اردیبهشت درگذشت. این هنرمند از چهره‌های مؤثر و آرام هنر میناسازی و از مدیران برجسته هنرستان هنرهای زیبای اصفهان بود؛ هنرمندی که ریشه‌های هنرش از خاندان بزرگ و اصیل صنیع همایون برمی‌آمد. صنیع‌زاده سال‌ها به مدیریت و تدریس در هنرستان هنرهای زیبای اصفهان پرداخت. او باور داشت هنرستان نه فقط محل آموزش تکنیک، بلکه خانه‌ای برای پرورش روح هنرمندانه است.

درکنار میراث هنری، یاد و نام برادر شهیدش احمد صنیع‌زاده بخشی جدایی‌ناپذیر از شخصیت اخلاقی او بود؛ خانواده‌ای که هنر را با ایثار درآمیختند و نام خود را بر خاطره جمعی مردم اصفهان ثبت کردند. با درگذشت او، نه فقط خانواده و دوستان که جامعه هنر اصفهان، یکی از چهره‌های شریف، صبور و کاربلد خود را از دست داد.

ادبیات

برگزاری مسابقه داستاک طنز خلیج فارس



مسابقه ادبی - هنری با عنوان «داستانک طنز خلیج فارس» به‌مناسبت روز ملی خلیج فارس از سوی دفتر طنز حوزه هنری برگزار می‌شود. این مسابقه از تمامی علاقه‌مندان به حوزه طنز، داستان‌نویسی کوتاه و روایت‌های خلاقانه دعوت کرده تا با خلق داستان‌هایی کوتاه، فضای طنزآلودی پیرامون خلیج فارس، تنگه هرمز، زیست‌فرهنگ منطقه و موضوعات مرتبط بسازند و در این رویداد مشارکت داشته باشند. براساس اعلام دبیرخانه مسابقه، آثار اسالی باید در قالب متن طنز حداکثر ۲۰۰ کلمه‌ای نوشته شده و تا پایان روز ۱۰ اردیبهشت از طریق پیام‌رسان بله به دبیرخانه ارسال شود. جوایز مسابقه شامل ۱۵ بسته کتاب طنز است که ارزش هر بسته حداقل سه میلیون تومان برآورد شده و به‌گفته برگزارکنندگان، این جوایز با هدف حمایت از تولیدکنندگان محتوای طنز و تشویق نسل جوان در مسیر نویسندگی در نظر گرفته شده است. این رویداد فرهنگی فرصتی است تا علاقه‌مندان طنز، توانایی خود را در قالبی کوتاه اما تأثیرگذار به نمایش بگذارند.